



ISSN:2588-7033



Military Training in Military and Civilian Schools in the Pahlavi I Period

Ghorban Ali Kenarroudi^{a*}, Mohammad Javad Moradinia^b

^a Assistant Professor, Department of Contemporary History, Document Research Institute, National Library and Archive of Iran

^b Assistant Professor, Department of Contemporary History, Document Research Institute, National Library and Archive of Iran

KEYWORDS

Pahlavi I,
Military training,
Military academies,
Schools and colleges,
Ministry of Education

Received: 9 February 2022;
Accepted: 6 November 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.1.4.6

ABSTRACT

During the Qajar era, Iran did not have a trained and uniformed army, and the few regularly trained units in the country were under the supervision of foreign commanders and advisors. After the coup d'état of 1921, a new approach was adopted in the structure of the army, serious attention was paid to the formation of the unified army, and the creation of military schools and colleges was prioritized in Reza Khan's plans. During his reign, this policy was followed in civilian schools as well, and the military education of students was approved and implemented in the programs of the Ministry of Education theoretically and practically. This research aims to provide an appropriate answer to the question of the approach, changes, and developments associated with military education in military and civilian schools of the Pahlavi I era, using the historical method and based on library and archival sources. The current research is based on the hypothesis that Pahlavi I's approach was more than anything to strengthen the national identity in the form of creating a national army and to transform and improve discipline in the environment of civilian schools through military training in order to prepare the youth and promote the culture of obedience. To achieve this goal, the Pahlavi government established and reinforced military schools and colleges, hired advisers and sent students overseas, sent trained officers to civilian schools, and provided students with military training.

* Corresponding author.

E-mail address: gh.k.edu@gmail.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





آموزش نظامی در مدارس نظامی و غیرنظامی در دوره پهلوی اول

قربانعلی کناررودی^{الف*}، محمدجواد مرادی نیاب^ب^{الف} استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ معاصر، پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران^ب استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ معاصر، پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چکیده	واژگان کلیدی
در دوره قاجار ایران دارای ارتش آموزش دیده و متحدالشکلی نبود و اندک واحدهای منظم آموزش دیده موجود کشور زیر نظر فرماندهان و مستشاران خارجی قرار داشتند. پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ ش. ۲۲/ فوریه ۱۹۲۱ م. رویکرد نوینی در ساختار ارتش ایجاد شد، به تشکیل ارتش واحد توجه جدی شد و ایجاد مدارس و دانشکده‌های نظامی در اولویت برنامه‌های رضاخان قرار گرفت. این سیاست در دوره سلطنت او در مدارس غیر نظامی نیز دنبال شد و آموزش نظامی دانش‌آموزان به صورت نظری و عملی در برنامه‌های وزارت معارف تصویب و اجرا شد. این پژوهش بر آن است تا با روش تاریخی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی به این پرسش که آموزش نظامی در مدارس نظامی و غیرنظامی دوره پهلوی اول با چه رویکردی و چه تغییرات و تحولاتی همراه بوده است، پاسخ مناسبی بدهد. پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که رویکرد پهلوی اول بیش از هر چیز تقویت هویت ملی در قالب ایجاد ارتش ملی و تحول و تقویت نظم و انضباط در محیط مدارس غیرنظامی از طریق آموزش نظامی به منظور آماده‌سازی جوانان و ترویج فرهنگ اطاعت‌پذیری بوده است. حکومت پهلوی برای دستیابی به این منظور، به ایجاد و تقویت مدارس و آموزشگاه‌های نظامی، استخدام مستشاران و فرستادن محصل به خارج از کشور، اعزام افسران آموزش دیده به مدارس غیر نظامی و آموزش نظامی دانش‌آموزان و دانشجویان اقدام نمود.	پهلوی اول، آموزش نظامی، آموزشگاه‌های نظامی، مدارس و دانشکده‌ها، وزارت معارف
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵
	مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

نخستین بار آموزش نظامی جدید و به سبک اروپایی از دوره حکومت شاه عباس اول صفوی شروع شد. او برای مقابله با عثمانی که صاحب توپ و اسلحه سنگین بود و همچنین به منظور بیرون کردن پرتغالی‌ها از سواحل و جزایر خلیج فارس، در صدد برآمد از متخصصین اروپایی به‌ویژه انگلیسی استفاده کند. در سال ۱۰۰۶ ه. ق. ۱۵۹۸ م. برادران شرلی وارد ایران شدند و سربازان ایرانی را با روش‌های نوین نظامی آشنا و کارخانه‌های توپ‌ریزی و جنگ افزارسازی در اصفهان ایجاد کردند. سپاهیان آموزش دیده به‌وسیله هیئت برادران شرلی پیادگان یا تفنگچی‌گر و فرماندهان آنها تفنگچی‌گر باشی یا تفنگچی آقاسی نامیده می‌شدند. تعلیم و آموزش سپاه جدید صفوی با مرگ شاه عباس اول متوقف شد. (علی‌بابایی، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰)

پس از سقوط صفویه تا دوره قاجار در رابطه با آموزش نظامی با شیوه‌های جدید اقدامی صورت نگرفت. نخستین آموزش‌های جدید در دوره آقا محمدخان (۱۲۱۰ ه. ق. ۱۷۹۶ م. - ۱۲۱۱ ه. ق. ۱۷۹۷ م.) با پیوستن چند نفر از سربازان قره‌باغ و نخجوان به سپاه ایران شروع شد. تعداد کم افسران و عدم علاقه سربازان ایرانی و شخص آقا محمدخان به فنون جدید نظامی سبب شد تا پیشرفتی در آموزش نظامی حاصل نشود (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۶: ۶۱).

متأثر از جنگ‌های ایران و روس اقدامات جدی برای ترقی و تحول در آموزش نظامی، اصلاح قشون با ایجاد تشکیلات اروپایی،

استفاده از اسلحه جدید، فرستادن محصل به اروپا، جلب صنعتگران اروپایی و رواج صنایع و علوم جدید، صورت گرفت. (همان، ۶۵)

با وجود مواردی چون تعلیمات افسران فرانسوی و انگلیسی در عصر عباس میرزا ولیعهد و ایجاد مدرسه نظام و آموزش نظامی در مدرسه دارالفنون و ایجاد نیروهای قزاق، ژاندارمری، بریگاد مرکزی و پلیس جنوب (اس.پی.آر.)، تا پایان قاجاریه ارتشی یکپارچه و مقتدر و بدون اتکای به مستشاران خارجی به وجود نیامد؛ و ارکان اساسی فرماندهی نظامی کشور در دست افسران روسی و انگلیسی و سوندی باقی ماند. (قائم مقامی، ۱۳۲۶: ۱۶۶) از یک سو، ضعف و ناتوانی نظامی قاجارها در مواجهه با روسیه و انگلیس و سرکوبی شورش‌ها؛ و از سوی دیگر، گسترش بی‌ثباتی و هرج و مرج در سالهای پایانی حکومت، فضای مناسبی را برای تشکیل حکومتی مقتدر و ارتشی نیرومند و یکپارچه به وجود آورد.

با کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ ه.ش. / ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ م. سیاست ایجاد ارتش ملی و اعزام محصل و استخدام مستشاران نظامی و آموزش فنون نظامی جدید با جدیت بیشتر در اولویت برنامه‌های دولت پهلوی قرار گرفت. علاوه بر آن آموزش نظامی دانش‌آموزان به صورت نظری و عملی با هدف آماده‌سازی و آشنایی آنان با وظایف اولیه سربازی و خدمت نظام وظیفه و ایجاد انضباط نظامی در محیط مدارس تصویب شد. این پژوهش در صدد است تا با توجه به رویکرد پهلوی اول در ایجاد ارتش ملی، تغییرات و تحولاتی را که در امر آموزش نظامی در مدارس نظامی و به‌ویژه در مدارس غیرنظامی ایجاد شد، بررسی کند. به نظر می‌رسد جهت تقویت هویت ملی، ایجاد ارتش ملی، تغییر و تحول در شیوه و برنامه آموزش نظامی و گسترش آن از طریق مدارس نظامی و غیرنظامی از اقتضات این دوره بوده است.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با روش تاریخی و مبتنی بر تحلیل منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی به این پرسش پاسخ دهد که آموزش نظامی در مدارس نظامی و غیرنظامی دوره پهلوی اول با چه رویکردی و چه تغییر و تحولاتی همراه بوده است؟

تاکنون مقاله مستقلی درباره رویکرد پهلوی اول در گسترش آموزش نظامی در مراکز و مدارس غیرنظامی نوشته نشده است. معدود مقالاتی به صورت غیرمستقیم به برخی از موضوعات مربوط به ورود آموزش جدید در مدارس نظامی، اعزام محصل برای فراگیری آموزش‌های نظامی، استخدام مستشاران نظامی برای مدارس نظامی، ساختار و تشکیلات مدارس نظامی و آموزشگاه‌های تخصصی و عالی نظامی پرداخته‌اند. اما هیچ‌کدام به آموزش نظامی در مدارس و دانشگاه‌های غیرنظامی و اهداف آن در دوره مورد نظر این پژوهش نپرداخته‌اند. مقاله «نحوه شکل‌گیری نظام وظیفه در پیوند با پروژه ملت سازی حکومت پهلوی» (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲)، ایجاد نظام وظیفه را تلاشی سامان‌مند و همه جانبه برای خلق شهروندان نظام جدید مبتنی بر ایده دولت ملت و گسترش اقتدار پهلوی می‌داند. مقاله «ساختار آموزش انتظامی و نظامی در حکومت رضاشاه» (زندیه و یوسفی، ۱۳۹۳)، جدیت پهلوی اول برای تقویت ساختار آموزش نظامی و انتظامی را به منظور تقویت نظم و انضباط و ایجاد امنیت می‌داند. مقاله «مدارس نظامی نوین ایران از دوره صفویه تا تأسیس دارالفنون» (ملک‌زاده و دادبخش، ۱۳۹۲)، تعلیم و آموزش نظامی نوین را مانند سایر علوم و فنون از دستاوردهای علمی و اکتشافات و اختراعات اروپایی دانسته که در دارالفنون و در عصر ناصری در ایران مورد توجه جدی قرار گرفته است. «سیر تدریجی آموزش پلیس و نتایج آن در دوره پهلوی اول» (احمدآبادی و موسوی، ۱۳۹۵) رویکرد نظامی رضاشاه را نقد و بررسی کرده و شیوه نظامی مبتنی بر آموزش قزاقی و عدم اعتماد به افسران جدید را موجب عدم اثربخشی آموزش‌های جدید دانسته است.

آموزشگاه‌ها و آموزش‌های نظامی قبل از کودتای ۱۲۹۹.ش

جنگ‌های بین ایران و روسیه و تصرف بخش وسیعی از خاک کشور به دست روس‌ها موجب شد عباس میرزا و قائم مقام فراهانی به ضرورت آموزش فنون نظامی نوین و استخدام مستشاران نظامی اروپایی پی ببرند؛ و پس از آنکه چندین مرتبه مذاکره با انگلستان به نتیجه نرسید، با دولت فرانسه که رقیب انگلستان بود، وارد مذاکره شدند. در تاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ ه.ق. / چهاردهم می ۱۸۰۷م. قرارداد فین‌کنشتاین بین دو دولت ایران و فرانسه به امضا رسید. از مواد مهم قرارداد تعلیم و تربیت سربازان ایران به‌شيوه جدید و آموزش آنان در زمینه وسایل و فنون جنگی بود. از این رو، ژنرال گاردان فرانسوی به همراه هیئتی هفتاد نفره به ایران آمد و در شهرهای اصفهان و تبریز چندین پایگاه آموزشی دایر و آموزش نظامی به سربازان را آغاز کرد. آنان همزمان دو کارخانه توپ‌ریزی در تهران و اصفهان تأسیس کردند (یک‌رنگیان، ۱۳۳۶: ۴۵؛ نوایی، ۱۳۶۹: ۱۲۵/۲).

با امضای قرارداد تیلستیت بین فرانسه و روسیه در ۲ جمادی‌الاول ۱۲۲۲ ه.ق. / ۸ ژوئیه ۱۸۰۷م.، فرانسه به تعهدات خود در قبال ایران بی‌تفاوت شد. دولت انگلیس با توجه به نیازمندی و علاقه ایران، نمایندگانی چون سر هارفورد جونز و سر گور اوزلی به تهران اعزام کرد؛ که موفق به امضای دو معاهده با نام‌های مُجمَل در ۲۵ محرم ۱۲۲۴ ه.ق. / ۱۲ مارس ۱۸۰۹م. و مُفصل در ۲۹ صفر ۱۲۲۷ ه.ق. / ۱۴ مارس ۱۸۱۲م. با دولت ایران شدند و پذیرفتند هیئتی را برای تعلیم و تربیت سپاه ایران اعزام کنند. در این راستا، افسران انگلیسی به نام‌های کریستی، هارت و لیندزی به آموزش سربازان ایرانی اقدام کردند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷/۱)؛ اما با اتمام جنگ ایران و روسیه و عدم تمایل فتحعلی‌شاه و عباس میرزا به ادامه آموزش نظامی و همچنین برطرف شدن خطر فرانسه برای دولت انگلیس، افسران انگلیسی ایران را ترک کردند (همان: ۱۲۱/۱).

محمدشاه (۱۲۵۰ ه.ق. / ۱۸۳۴ م.) پس از به قدرت رسیدن، آموزش نظامی سربازان را از سرگرفت؛ و مدارس نظامی که در زمان عباس میرزا با اعتراض روسیه برچیده شده بود، دوباره افتتاح شد و سرتیپ ایزیدور بوروسکی از مهاجرین لهستانی سپاه ایران به ریاست مدرسه نظام انتخاب شد. او در جنگ هرات به همراه بسیاری از سربازانش کشته شد. بعد از جنگ فرزند او، آنتوان بوروسکی، برای احیای مدرسه مزبور تلاش بسیاری کرد (یک‌رنگیان، ۱۳۳۶: ۲۱۵-۲۱۶؛ نوایی، ۱۳۶۹: ۳۴۷/۱). همزمان هیئتی انگلیسی به فرماندهی ژنرال راولینسون برای تعلیم نظامی به ایران دعوت شد؛ اما این هیئت تا سال ۱۲۵۴ ه.ق. / ۱۸۳۸م. حتی یک افسر آموزش دیده به ارتش ایران تحویل نداد (یک‌رنگیان، ۱۳۳۶: ۲۱۵). پس از آن، کنت دوسرسی همراه دوازده نفر افسر فرانسوی در سال ۱۲۵۵ ه.ق. / ۱۸۳۹م. به ایران آمدند ولی با دخالت‌های روسیه و انگلیس پس از چهار سال و صرف هزینه‌های سنگین بدون اینکه از وجود آنان استفاده‌ای شود به فرانسه بازگشتند (اشراقی، ۱۳۵۵: ۱۸۳).

ناصرالدین‌شاه در ۱۴ شوال ۱۲۶۴ ه.ق. / ۱۳ سپتامبر ۱۸۴۸م. به سلطنت رسید. چهار سال ابتدایی حکومت او با وزارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر همراه شد. امیرکبیر برای اصلاح وضع نظام روش‌های کهنه را منسوخ کرد؛ به‌ویژه اساس سازمان ارتش و طریقه سربازگیری را بر اصول بُنیچه تدوین و منتشر کرد (مستوفی، ۱۳۴۱: ۷۰/۱؛ قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۷۱). بر اساس این قانون از میان رعایا و بر حسب سرشماری سرباز گرفته می‌شد؛ یعنی از هر ده نفر واجد شرایط یک نفر به خدمت سربازی می‌رفت (قائم‌مقامی، همان: ۷۱). امیر همچنین با اختصاص دادن جیره به سربازان، اخذ سیورسات و مایحتاج از رعیت را ممنوع کرد و اعلام نمود هیچ مأمور دیوانی و محصل مالیاتی و سرباز قشونی نمی‌تواند آذوقه و مایحتاج خود را از رعیت بگیرد (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۲۱). در اثر تلاش او پنجاه هزار سپاه پیاده‌نظام و تیرانداز و دوازده فوج سواره نظام (هر فوج ۸۰۰ نفر)، دو هزار توپچی و دویست زنبورکچی

سرباز به خدمت احضار شدند (علی بابایی، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۶).

اقدام مهم و اثرگذار امیرکبیر در زمینه آموزش، ساخت مدرسه دارالفنون بود. کار ساخت مدرسه در سال ۱۲۶۶ه.ق. / ۱۸۵۰م. آغاز شد. نقشه ساختمان توسط میرزا رضا مهندس باشی کشیده شد و محمدتقی خان معمارباشی در سال ۱۲۶۹ه.ق. / ۱۸۵۳م. کار ساخت مدرسه را تمام کرد (محبوبی اردکانی، همان: ۱/۲۵۸). دارالفنون سیزده روز پیش از قتل امیر در ۵ ربیع الاول ۱۲۶۸ه.ق. / ۲۹ دسامبر ۱۸۵۱م. افتتاح شد. درس‌های اصلی مدرسه عبارت بود از: پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و معدن‌شناسی (همان: ۱/۲۷۰).

امیرکبیر برای استخدام معلم دارالفنون مسیو جان داود عضو وزارت خارجه و مترجم رسمی دولت ایران را برای مذاکره با دولت اتریش و پروس اعزام کرد. جان داود در محرم سال ۱۲۶۸ه.ق. / اکتبر ۱۸۵۱م. دو روز پس از عزل امیرکبیر همراه شش نفر معلم اتریشی و یک معلم داروساز ایتالیایی به تهران بازگشت (آدمیت، همان: ۳۶۰). این معلمین عبارت بودند از سروان گومنز معلم پیاده‌نظام، ستوان کرزیز معلم توپخانه و ریاضیات، ستوان نیرو معلم سواره‌نظام، سروان زاتی معلم مهندسی نظام و ریاضیات، کارنوتا معلم معدن‌شناسی، دکتر پولاک معلم طب و جراحی و فوکه‌تی ایتالیایی معلم فیزیک و شیمی و داروسازی (محبوبی اردکانی، همان: ۱/۲۶؛ افضل، ۱۳۴۸: ۱).

از آنجاکه جنبه نظامی دارالفنون بر سایر جنبه‌های آن برتری داشت، سرپرستی مدرسه به عزیزخان مگری آجودان باشی کل واگذار شد؛ و عبدالحسین خان فرزند علینقی خان آجودان از جانب او مدیریت مدرسه را برعهده داشت (همان: ۱/۲۶۴-۲۶۵).

از دوران زمامداری مظفرالدین شاه تا کودتای ۱۲۹۹ه.ش.، قشون ایران همچنان از دسته‌های مختلفی تشکیل و توسط افسران خارجی اداره می‌شد. دولت انگلستان پس از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. / مهر ۱۲۹۶ه.ش. برای حفظ منافع و مصالح خود، فکر ایجاد ارتش یکپارچه در ایران را مطرح کرد. تا سال ۱۹۱۸م. / ۱۲۹۷ه.ش. دولت‌های ایران مخالف این تصمیم و نظر دولت انگلیس بودند، اما در کابینه وثوق‌الدوله و با انعقاد قرارداد معروف سال ۱۹۱۹م. / ۱۲۹۸ه.ش. آمال و نیت انگلیسی‌ها درباره ارتش واحد در قالب ماده سوم آن قرارداد محقق شد (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶: ۱۶۲-۱۶۵؛ مکی، ۱۳۵۷: ۳۷).

تعلیمات نظامی و تربیت نظامی در اصل‌های ۱۳ تا ۱۵ قرارداد وثوق، مشتمل بر طرح جامعی است برای ایجاد یک رشته مدارس مقدماتی و عالی نظامی که براساس آن کادر آموزشی، مدت دوره‌های آموزشی، تعداد شاگردان هر دوره، شرایط پذیرش آنان و بسیاری از دیگر جزئیات به دقت تعیین شده است (بیات، ۱۳۶۹: ۱۳۲-۱۳۳). به موجب آن تعداد مستشاران برای مدارس نظام ۷ افسر و ۱۰ درجه‌دار انگلیسی در نظر گرفته شده بود. کمیسیون نظام توصیه کرده بود که افسران مورد نیاز انگلیسی با قرارداد ۴ ساله استخدام شوند و پس از انقضای این مدت تعدادی از افسران تعلیم دیده ایرانی جایگزین آنها شوند (همان، ۱۳۵). این قرارداد با مخالفت‌های شدید ملت، جراند و حتی احمدشاه مواجه و لغو شد (مکی، ۱۳۵۷: ۲۷).

واحدهای منظم آموزش دیده کشور قبل از کودتای ۱۲۹۹ که زیر نظر مستشاران خارجی بودند، عبارتند از:

۱- نیروی قزاق: فرمانده این نیروها همواره فردی روسی بود. در سال‌های پیش از کودتا این نیروی نظامی شامل ۸۷۵۶ نفر ایرانی، ۷۶ افسر ارشد روسی، ۶۶ افسر جزء روسی و ۲۰۲ نفر ایرانی، تحت امر وزارت جنگ بود. مخارج سالیانه آنها ۱۹ میلیون و ۱۵۰ هزار ریال بود که از طرف بانک شاهنشاهی پرداخت می‌شد.

۲- نیروی ژاندارمری دولتی: شامل ۸۴۰۰ نفر ژاندارم زیر نظر افسران ایرانی و عده بسیار کمی از افسران سوئدی بود؛ که تحت امر وزارت کشور قرار داشت و با مخارج سالیانه ۳۵ میلیون ریال اداره می‌شد.

۳- نیروی بریگاد مرکزی: شامل دو افسر خارجی و ۱۲۶ افسر ایرانی و ۲۱۴۲ نفر سرباز با مخارج سالیانه ۹ میلیون ریال اداره می‌شد.

۴- نیروی تفنگچیان جنوب ایران (اس.پی.آر): یا پلیس جنوب ایران که شامل ۵۴۰۰ سرباز ایرانی، ۱۹۰ فسر ارشد انگلیسی، ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی و با مخارج سالانه ۲۵ میلیون ریال بود (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶:۱۶۶).

مقارن با کودتای ۱۲۹۹ ه.ش. چهار مدرسه نظام در ارتش ایران وجود داشت: ۱- مدرسه دیویزیون (لشکر) قزاق که با روش مدارس نظامی روسیه اداره می‌شد. ۲- مدرسه نظام مشیرالدوله که در سال ۱۲۹۵ ه.ش. تأسیس شد و به روش مدرسه نظام سن سیر فرانسه اداره می‌شد. ۳- مدرسه صاحب‌منصبی ژاندارمری که به روش مدارس سوئدی اداره می‌شد. ۴- مدرسه دامپزشکی ژاندارمری (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۵۸).

آموزشگاه‌های نظامی بعد از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش.

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش. سازمان بریگاد مرکزی و اردوی فوق‌العاده گارد و قسمت‌هایی از وزارت جنگ در قزاقخانه ادغام شدند. در روز ۱۸ دی ماه ۱۳۰۰ ه.ش. ژاندارمری نیز با مدرسه قزاقخانه یکی شد و نیرویی به نام قشون ایران را تشکیل دادند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۳: ۴۴۶). با انحلال مدارس نظامی، سازمان آموزشی جدیدی به نام «مدارس کل قشون» به ریاست عزیزالله‌خان ضرغامی تأسیس شد (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۵۹).

مراکز و نهادهای آموزشی نظامی در دوره پهلوی به دو دسته آموزشگاه‌های برجای مانده از دوره قاجار و مراکزی که در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش. ایجاد شدند، تقسیم می‌شود.

آموزشگاه قزاقخانه: در سال ۱۲۸۲ ه.ش./۱۹۰۴ م. توسط سرهنگ چرنوزیف فرمانده بریگاد قزاق در ایران ایجاد شد و دارای دو کلاس ابتدایی و پنج کلاس متوسطه بود. در سال ۱۲۸۸ ه.ش./۱۹۱۰ م. آموزشگاه با روش مدارس روسیه توسعه یافت و به دو بخش آموزش اشراف‌زادگان شامل فرزندان افسران؛ و بخش تربیت یافتگان شامل فرزندان قزاق‌ها تقسیم شد (همان: ۱۵۹). فرماندهان این آموزشگاه روسی بودند و در کنار آنها از استادان ایرانی نیز استفاده می‌شد؛ و محصلین تا سال ۱۲۹۲ ه.ش./۱۹۱۴ م. با درجه استواری و از آن پس با درجه ستوان سومی فارغ‌التحصیل می‌شدند. بسیاری از مقامهای نظامی دوره پهلوی فارغ‌التحصیل این مدرسه بودند. در سال ۱۲۸۸ ه.ش./۱۹۱۰ م. ژنرال پرنس ولادبکسی مدرسه دیگری برای فرزندان قزاق‌ها تأسیس کرد که شاگردان در آن با درجه گروهبانی فارغ‌التحصیل می‌شدند. در قزاقخانه آموزشگاه دیگری مخصوص باسوادها و گروهبانان وجود داشت که پس از پایان یک دوره آموزش نه ماهه، با درجه استواری وارد نظام می‌شدند (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۳۸-۲۳۹). مجموعه این آموزشگاه‌ها در بهمن ماه سال ۱۳۰۰ ه.ش./۱۹۲۲ م. با مدرسه نظام مشیرالدوله ادغام شد و «مدارس نظام» را ایجاد کردند.

مدارس نظامی ژاندارمری: پس از استخدام سرهنگ یالمارسن سوئدی برای سرپرستی و تشکیل ژاندارمری در سال ۱۲۸۹ ه.ش./۱۹۹۰ م. آموزشگاهی به نام «کاندیدا افسیه» به ریاست سهراب‌خان ارمنی تأسیس شد. مدت آموزش در این مدرسه ۴ ماه و شبانه‌روزی بود و استادان سوئدی و ایرانی در آن تدریس می‌کردند. یک سال بعد آموزشگاه دیگری به نام «مدرسه صاحب‌منصبان» در باغشاه تأسیس شد که مائور فلک سوئدی رئیس آن بود. دوره آموزش در این مدرسه شش ماه بود و داوطلبان هنگام ورود به مدرسه با درجه اسپیرانی (استواری) پذیرفته و در پایان دوره با درجه نایب دوم (ستوان دوم) یا نایب اول (ستوان یکم)

یا سلطان (سروان) به محل خدمت خود منتقل می‌شدند. مواد درسی مدرسه شامل رسیدگی به پرونده و شکایات، شمشیربازی، ادبیات، تاریخ، ریاضیات، جغرافیا، خدمات صحرائی و اسب‌شناسی بود (همان: ۲۴۰). کمی بعد دوره آموزشی این مدرسه به ۸ ماه افزایش یافت و یک واحد درسی به نام «آموزش پلیس مخفی» به برنامه دروس آن افزوده شد. کلیه احتیاجات دانش‌آموزان آموزشگاه‌های ژاندارمری را دولت تأمین می‌کرد و هر ماهه ۱۵۰ ریال موجب آنان بود (همان: ۲۴۰-۲۴۱).

فرماندهان سوئدی حاضر در ایران نیز در سال ۱۲۹۱ ه.ش. آموزشگاه‌هایی با نام «سوزافیسیه» در شهرهای شیراز، قزوین، اصفهان و مشهد تأسیس کردند. آنها در این سال مدرسه‌ای به نام «آنتاندانس» یا «مدرسه مباشرت و کارپردازی» تأسیس کردند که مدت دوره آن ۲ ماه بود و دو کلاس کارپردازی و انبارداری داشت. همچنین، در سال ۱۲۹۲ ه.ش. اولین مدرسه «بیطاری» (دامپزشکی) به ریاست افسران سوئدی تأسیس شد که پس از جنگ جهانی اول با ریاست افسران ایرانی به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۰۹ ه.ش. آموزشگاهی به نام معین دامپزشکی در بیمارستان پهلوی تأسیس شد. این آموزشگاه داوطلبان را برای یک دوره هشت ماهه آموزش می‌داد. آموزش دیدگان متعهد می‌شدند پس از پایان خدمت با درجه گروهبانی و استواری به مدت پنج سال در ارتش خدمت کنند (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

از دیگر مؤسسه‌های آموزشی ژاندارمری «مدرسه وکیلی» بود که در ۱۵ اسفند ۱۳۰۲ ه.ش. در یوسف‌آباد تشکیل شد. دوره تحصیلی این مدرسه ابتدا شش ماه بود و زیر نظر اداره کل امنیه تهران اداره می‌شد. عده شاگردان مدرسه در سال ۱۳۰۴ ه.ش. شصت و پنج نفر و سن آنان بین ۱۸ تا ۲۵ سال بود (ساکما، سند شماره ۳۸۸۷۵-۲۹۷). دروس این مدرسه شامل دروس نظامی و پلیسی، دوچرخه‌سواری، تعلیم مقررات مربوط به آیین‌نامه‌های ادواری و قوانین جزایی، مقررات ثبت احوال و آتش‌نشانی و غیره، بود (پلیس ایران، ۱۳۵۵: ۱۲۰). شرایط ورود به این مدرسه عبارت بود از: اعتقاد به دین اسلام، تابعیت ایران، داشتن ضامن معتبر، دارا بودن سواد فارسی، صحت مزاج و بنیه قوی، نداشتن سوء سابقه، داشتن سن بین ۲۳ تا ۲۹ سال (اطلاعات، ۱۳۰۶: شماره ۷۲۹، ۴). در سال ۱۳۱۱ ه.ش. در شرایط و مقررات مدرسه تغییراتی ایجاد شد؛ دوره تحصیلی مدرسه یک ساله شد و قبول تعهد خدمت پنج ساله در ارتش به مقررات اضافه شد؛ و حقوق پذیرفته‌شدگان در مدرسه ماهی ۱۴۵ ریال تعیین شد (اطلاعات، ۱۳۱۱: شماره ۱۶۳۶، ۱). در سال ۱۳۱۴ ه.ش. شرایط ورود داوطلبان مجدداً تغییر یافت و داشتن اطلاعات علمی در حدود کلاس ششم ابتدایی، نداشتن سوء سابقه و محکومیت جزایی در محاکم نظامی و قضایی و دولتی، داشتن صحت مزاج و تناسب اندام، داشتن ضامن معتبر و حداقل سن ۱۸ و حداکثر ۳۰ سال تعیین شد. بر اساس اطلاعیه منتشر شده در مطبوعات رسمی، مقرر شده بود داوطلبانی که خدمت وظیفه خود را به پایان رسانده باشند و اشخاصی که دارای تصدیق پایان ششم ابتدایی باشند بر سایرین تقدم خواهند داشت؛ و در مدت زمان تحصیل در مدرسه حقوق ماهانه شصت ریال به همراه جیره دولتی و مجانی دریافت خواهند کرد (اطلاعات، ۱۳۱۴: شماره ۲۴۶۷، ۱).

در سال ۱۳۰۷ ه.ش. «مدرسه معین نایی» برای تأمین فرماندهان دسته‌های نظامی در امنیه تشکیل شد. شاگردان این مدرسه معمولاً از بین فارغ‌التحصیلان مدرسه وکیلی بودند. دوره آموزشی آن سه ماهه بود و سالی چهار مرتبه تشکیل می‌شد؛ و سن ورود داوطلبان به این مدرسه بین ۲۳ تا ۲۷ سال در نظر گرفته شده بود. تابعیت ایران، عدم محکومیت به قیام علیه حکومت ملی، عدم محکومیت به فساد عقیده، سالم و قوی بودن، داشتن سواد خواندن و نوشتن و داشتن قد بالای ۱/۶۵ سانتیمتر از دیگر شرایط ورود به این مدرسه بود (اطلاعات، ۱۳۰۹: شماره ۱۱۴۹، ۴؛ بختیاری و ترابی، ۱۳۸۵: ۹۵). این مدرسه تا سال ۱۳۱۳ ش به فعالیت خود ادامه داد (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶: ۳۲۵-۳۲۶). فارغ‌التحصیلان مدرسه معین نایی پس از گذراندن امتحان ورودی به آموزشگاه

ستوانی پذیرفته می‌شدند و پس از طی مدت دوره یکساله تحصیلی، در صورت تمایل می‌توانستند به مدرسه صاحب منصبی وارد شوند (افسر، ۱۳۳۲: ۴۰۷).

مدرسه نظام وزارت جنگ: این مدرسه در سال ۱۲۹۶ ه.ش. / ۱۹۱۶ م. متوسط مشیرالدوله (حسن پیرنیا) وزیر جنگ آن زمان و به تقلید از مدرسه سن‌سیر فرانسه تأسیس شد. به دلیل نداشتن بودجه و جهت تأمین آن، هیأت دولت تصویب کرد که در هر مخابره تلگراف مبلغی (به ازای هر یک تومان، ده دینار) اضافه دریافت شود و آن مبلغ برای تأسیس مدرسه نظام استفاده شود. این مدرسه ابتدا به نام احمدشاه، «مدرسه نظام احمدی» نامیده شد ولی بتدریج به «مدرسه نظام مشیرالدوله» شهرت یافت. این مدرسه پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش. با مدرسه قزاقخانه ادغام شد و «مدارس نظام» را به وجود آورد؛ و در مرداد ماه سال ۱۳۰۲ ه.ش. فارغ‌التحصیلان آن با درجه ستوان سومی، اولین دوره دانشکده افسری ارتش را به پایان رساندند. اکثر استادان آن ایرانی بودند و تنها استاد خارجی آن سروان پرنس کامنسکی بود که سواره‌نظام را تدریس می‌کرد. این مدرسه در بین آموزشگاه‌های نظامی آن روز تهران، تنها دانشکده‌ای بود که در تابستان عملیات اردویی و تمرین تیراندازی داشت (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۴۵-۲۴۶).

آموزشگاه‌های نظامی و شیوه‌های آموزش در دوره پهلوی اول

سیاست‌های نظامی پهلوی اول در تشکیل ارتش ملی مرکب از سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی سبب توجه بیشتر به آموزش تخصصی نیروهای نظامی و تأسیس مراکز آموزشی جدید در کشور شد. البته تأسیس و آموزش نیروی دریایی با سایر نیروها متفاوت بود و تا پایان این حکومت آموزشگاهی تخصصی نداشت؛ و آموزش افسران نیروی دریایی با اعزام دانشجویان به خارج از کشور آغاز شد. در سال ۱۳۰۵ ه.ش. / ۱۹۲۶ م. از ۵۷ نفر دانشجوی اعزامی به اروپا به سرپرستی سرهنگ سیف‌الله‌خان، ۹ نفر در رشته امور دریایی بودند (اطلاعات، ۱۳۰۵: ۴ آبان، ۱). رضاخان رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ، با مشاهده ضعف و ناتوانی نیروی دریایی ایران تلاش خود را برای نوسازی این نیرو از سال ۱۳۰۳ ه.ش. / ۱۹۲۴ م. آغاز کرد. او نخستین ناو جنگی مجهز به توپخانه را از آلمان خریداری کرد و در ۲۷ آذر ۱۳۰۳ ه.ش. در بندر عباس پهلو گرفت. نام این ناو جنگی را «پهلوی» و بعدها «شاهین» گذاشتند. کشتی «خوزستان» دومین ناو نظامی‌ای بود که به نیروی دریایی ایران ملحق شد. از این ناوچه در عملیات دستگیری شیخ خزعل برای حمل افراد نظامی در رود کارون استفاده شد (رسائی، ۱۳۵۰: ۳۷۸-۳۷۹). همزمان کشتی‌های مظفری، هما، کارون و ناصری در خلیج فارس فعال شدند و هسته مرکزی نیروی دریایی ایران را تشکیل دادند (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۶۹-۲۶۸؛ قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۱۹).

دانشکده افسری: این دانشکده با ادغام سه آموزشگاه قزاقخانه، مدرسه نظام مشیرالدوله و مدرسه بیطاری ژاندارمری در سال ۱۳۰۰ ه.ش. / ۱۹۲۰ م. به وجود آمد. در مرداد ماه سال ۱۳۰۲ ه.ش. / ۱۹۲۲ م. دانشکده افسری جشن فارغ‌التحصیلی دوره اول خود را برگزار کرد و ۱۹ نفر از دانشجویان آن با درجه ستوان سومی به پیاده‌نظام منتقل شدند. در ۲۴ مهرماه دانشجویان دوره دوم با رتبه ستوان دومی در رشته‌های پیاده‌نظام، توپخانه، سواره‌نظام و مهندسی به واحدهای مرکز انتقال یافتند (بیگلری، ۱۳۵: ۲۵-۲۶). «مدرسه صاحب‌منصبی» در دانشکده افسری تا سال ۱۳۱۴ ه.ش. شامل رشته‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه و مهندسی بود. از آن پس دوره عالی و در سال ۱۳۱۸ ه.ش. دوره هواپیمایی نیز بدان افزوده شد (کاظمی و دیگران، همان: ۱۶۲). در سال ۱۳۱۰ ش آموزشگاه احتیاط در دانشکده افسری به منظور آموزش مشمولان دیپلم و لیسانس تأسیس شد و هر دوره آموزشی آن شش ماه

بود. (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۵۵)

آموزشگاه ستوانی: این آموزشگاه که مدرسه نیابت نیز خوانده می‌شد، در سال ۱۳۰۳ ه.ش. در دانشکده افسری تأسیس شد. دوره آموزشی آن یک سال بود و تنها دو دوره دانشجو از آن فارغ التحصیل شدند و در مهرماه ۱۳۰۵ ه.ش. تعطیل شد. دوره دوم فعالیت این آموزشگاه از ۱۳۰۵ ه.ش. به بعد شروع شد و دوره تحصیلی آن تا سال ۱۳۱۴ ه.ش. دو ساله بود. با اضافه شدن رشته‌های امور مالی و توپخانه به درس‌های آموزشگاه دوره تحصیلی آن سه ساله شد و تا سال ۱۳۲۰ ه.ش. به همین روال فعالیت کرد. دانش‌آموزان این آموزشگاه بعد از اتمام تحصیل با درجه ستوان سومی به قسمت‌های مختلف ارتش وارد می‌شدند (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۶۴).

دانشگاه جنگ: این دانشگاه در اول مرداد ماه سال ۱۳۱۴ ه.ش. / ۱۹۳۴ م. تأسیس و با استخدام افسران فرانسوی کار خود را آغاز کرد. از مهرماه همان سال دوره فرماندهی نیز در دانشگاه جنگ تشکیل شد؛ و تا مهرماه ۱۳۲۰ ه.ش. و در شش دوره فعالیت آن ۹۶ نفر فارغ التحصیل داشت. مستشاران فرانسوی با همکاری افسران ایرانی دوره‌ای دو ساله با عنوان دوره ستاد طراحی کردند که نخستین دوره آن در مهرماه ۱۳۱۵ ه.ش. / ۱۹۳۵ م. آغاز و تا مهرماه ۱۳۲۲ ه.ش. ادامه داشت و در این مدت ۱۶۱ نفر از آن فارغ التحصیل شدند (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۶۴). در آن زمان ارتقای درجه سرهنگی به سرتیپی مشروط به این بود که دوره دانشگاه جنگ را طی کرده باشند. افسرانی که این دو دوره را طی می‌کردند، افسران ستاد نامیده می‌شدند؛ و به عناوینی چون سرگرد ستاد، سرهنگ دوم ستاد و سرهنگ ستاد نائل می‌شدند (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۴۴).

آموزشگاه‌های نیروی هوایی: در اواخر سال ۱۳۰۱ ه.ش. / ۱۹۲۲ م. مستوفی‌الممالک تمایل کابینه خود را برای داشتن نیروی هوایی و خرید چند فروند هواپیما اعلام کرد (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۴۷). بلافاصله ترتیبات لازم انجام شد و با بهره‌گیری از حداقل امکانات یک فروند هواپیمای یونکرس اف-۱۳ خریداری و اساس نیروی هوایی شکل گرفت (نفیسی، ۱۳۴۵: ۹؛ طلوعی، ۱۳۵۵: ۲۹). در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۰۱ ه.ش. سفیر ایران در واشنگتن برای خرید هواپیما و آموزش خلبانی و امور فنی با دولت آمریکا وارد مذاکره شد؛ اما آمریکایی‌ها بنابر ملاحظات سیاسی با فروش هواپیما به ارتش ایران موافقت نکردند (طلوعی، ۱۳۵۵: ۳۷). در بهار ۱۳۰۳ ه.ش. هفت فروند هواپیمای روسی و چهار فروند هواپیمای آلمانی خریداری شد و به ناوگان هوایی کشور اضافه شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۳/۳ - ۲۵؛ کرونین، ۱۳۷۷: ۲۴۷).

با تأسیس نیروی هوایی به آموزش نیروی انسانی متخصص نیز توجه شد؛ مدرسه هواپیمایی شکل گرفت و سیف‌الله‌خان صاحب‌منصب ارکان حرب کل به ریاست آن انتخاب شد (نخجوان، ۱۳۵۴: ۲۱۹). در سال ۱۳۰۳ ه.ش. / ۱۹۲۴ م. اولین گروه از دانشجویان خلبانی و تکنسین پرواز به روسیه و فرانسه اعزام شدند (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲: ۸۹-۹۳).

در مهر ماه ۱۳۱۰ ه.ش. مدرسه معلم خلبانی در نیروی هوایی تأسیس شد و تا سال ۱۳۱۵ ه.ش. / ۱۹۳۵ م. به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۱۴ ه.ش. / ۱۹۳۴ م. یک مدرسه برای آموزش معلم خلبان در مهرآباد تهران تأسیس شد. در فروردین ۱۳۱۵ ه.ش. / ۱۹۳۵ م. دانشکده فنی هوایی جهت آموزش افسران فنی در دوشان تپه ایجاد شد. داوطلبان این دانشکده با شرط داشتن دیپلم فنی ششم متوسطه وارد و پس از دو سال با درجه ستوان دومی در مشاغل فنی نیروی هوایی مشغول کار می‌شدند (چمنکار، ۱۳۹۷: ۱۰۱). در سال ۱۳۱۶ ه.ش. / ۱۹۳۶ م. برای تأمین نیروی متخصص مورد نیاز برای انجام وظیفه در امور فنی کارخانه‌های شهباز، آموزشگاه افزارمندی (فنی هوایی) تأسیس شد. از تاریخ ۱۲ مرداد ماه و اول شهریور ماه ۱۳۱۷ ه.ش. / ۱۹۳۷ م. نام هنرستان خلبانی به آموزشگاه خلبانی و هنرستان نظامی به آموزشگاه فنی تغییر یافت (طلوعی، ۱۳۵۵: ۷۶-۷۹). در اول مرداد ماه همین سال نخستین هواپیمای ساخت ایران در حضور رضاشاه به پرواز درآمد. این برنامه تا سال ۱۳۱۸ ه.ش. / ۱۹۳۸ م. با ساخت تعداد دیگری هواپیمای

شخصی و جنگی ادامه یافت (ساتن، ۱۳۴۶: ۲۵۸).

بودجه نظامی و دفاعی ایران تا سال ۱۳۲۰ه.ش. ۱۹۴۱م. پنج برابر شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۹۶)؛ و آمار رسمی بودجه نیز نشان از آن داشت که به طور متوسط ۳۳/۵ درصد کل درآمد دولت در طی این سالها صرف ارتش شده است. همچنین بخش بزرگی از درآمد نفتی ایران که در بودجه سالانه نمی‌آمد، نیز صرف خرید تجهیزات گران‌قیمت تسلیحاتی و ایجاد صنایع کوچک مهمات‌سازی می‌شد (فوران، ۱۳۷۷: ۳۳۱-۳۳۲). بدین ترتیب به موازات افزایش بودجه، نیروی انسانی آموزش دیده ارتش نیز از ۲۲۸۰۰ نفر در سال ۱۳۰۰ه.ش. ۱۹۲۰م. به هشت برابر یعنی تعداد ۱۸۳۸۶۳ نفر در سال ۱۳۲۰ه.ش. ۱۹۴۱م. افزایش یافت (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۱۳).

برنامه‌های آموزشی مدارس نظامی: پس از کودتای ۱۲۹۹ه.ش. ۱۹۲۱م. آموزش‌های نظامی در تهران به دانشکده افسری و در شهرستان‌ها به دبیرستان‌های نظام محول شد (دیگار و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۰۸). در سال ۱۳۰۲ه.ش. ۱۹۲۳م. سه نوع مدرسه با هدف تربیت و آموزش نظامی ایجاد شد که عبارت بودند از: مدرسه ابتدایی نظام برای آموزش پسران ۷ سال به بالا، مدرسه متوسطه نظام و مدرسه صاحب‌منصبی که بعدها به دانشکده افسری تغییر یافت؛ و تلاش شد هر سه مدرسه بر اساس تشکیلات نوین اروپایی سازماندهی شود (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۹). مدرسه ابتدایی نظام دارای شش کلاس و منطبق با برنامه مصوب وزارت فرهنگ بود. مدت آموزشی مدرسه متوسطه نظام چهار سال بود. در این مدرسه علاوه بر برنامه وزارت فرهنگ، موضوعات نظامی نیز تدریس می‌شد و شاگردان پس از گذراندن دوره چهارساله وارد دوره دو ساله عالی می‌شدند. در مهرماه ۱۳۰۸ه.ش. ۱۹۲۹م. برنامه مدرسه متوسطه نظام با مدارس غیرنظامی تطبیق داده شد و مدت آموزش آن از چهار سال به شش سال افزایش یافت. مدرسه صاحب‌منصبی نیز شامل دوره دوساله عالی بود که در سال ۱۳۱۴ه.ش. ۱۹۳۴م. دوره مالی و در سال ۱۳۱۸ه.ش. ۱۹۳۸م. دوره هوایی نیز به آن افزوده شد (بزرگمهر، ۱۳۷۷: ۲۰۲-۲۰۳).

دانشکده افسری در چند ماه نخست خود طبق روال قبلی برنامه‌های آموزشی را اجرا می‌کرد و از صبح تا عصر برنامه داشت. بعد از مدت کوتاهی دو کلاس دانشکده شبانه‌روزی شد و شاگردان فقط شب‌ها و روزهای جمعه به مرخصی می‌رفتند؛ سه روز در هفته پس از صرف صبحانه در ساعت ۶/۵ تا ۷ صبح سلاح و تجهیزات می‌گرفتند و تا ساعت ۱۰ صبح برای عملیات تاکتیکی و صحرایی به خارج از شهر می‌رفتند (همان: ۲۰۸). در دومین دوره دانشکده، تعلیمات نظری و عملی مانند توپخانه، تاکتیک، پیاده‌نظام، سنگرسازی و استحکامات و نقشه‌برداری توسط استادان به شاگردان تعلیم داده می‌شد (بیگلری، ۱۳۵۰: ۲۸-۳۲). از آذرماه ۱۳۱۳ه.ش. ۱۹۳۳م. دوره‌های تکمیلی دانشکده افسری تشکیل و تا سال ۱۳۲۰ه.ش. ۱۹۴۳م. برای افسران رسته‌های پیاده و سواره‌نظام، توپخانه، مهندسی، مخابرات و مالی آخرین دستاوردهای دانش نظامی مربوط به هر رسته آموزش داده می‌شد (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۷۰-۱۷۲).

مدرسه نظام وزارت جنگ از سه کلاس تشکیل می‌شد. در کلاس تهیه (مقدماتی)، معلومات کلاس ششم متوسطه به‌ویژه درس ریاضی تکمیل می‌شد و آموزش‌های مقدماتی نظامی مانند تاریخ نظامی، جغرافیای نظامی، خدمات صحرایی، تاکتیک، سنگرسازی و سلاح‌شناسی ارائه می‌شد. شاگردان در آموزش‌های صف جمع، خدمات صحرایی عملی، رزمی و تیراندازی با دو کلاس دیگر شرکت می‌کردند. در کلاس اول و دوم آموزش‌های نظامی داده می‌شد؛ و برنامه این کلاس‌ها از روی برنامه مدرسه نظام سن سیر فرانسه اقتباس شده بود. درس‌های آن شامل: تاکتیک عمومی کامل، مطالب سوق‌الجیشی تاکتیک، رزم پیاده، رزم سواره،

رزم توپخانه، خدمات صحرائی کامل سنگرسازی، استحکامات دائمی و نیمه دائمی، تکمیل تاریخ و جغرافیای نظامی ایران و جهان، نقشه‌کشی عملی و سلاح‌شناسی بود. درس‌های عملی رزمی در روزهای سه‌شنبه تدریس می‌شد و در تابستان‌ها شاگردان دو ماه را در اردو می‌گذراندند. روزهای معینی در هفته آموزش کار عملی با توپخانه و سواره‌نظام را فرامی‌گرفتند (بیگلری، ۱۳۵۰: ۱۰-۱۱). مواد آموزشی در مدارس نظام عبارت از تاکتیک و خدمات صحرائی، مشق‌های نظامی، ریاضیات و زبان‌های خارجی بود (کاظمی و دیگران، ۱۳۵۵: ۱۶۸). در ورود به مدارس نظامی داشتن معدل بالا ملاک نبود. داشتن تابعیت ایران، دارا بودن سن بین ۱۰ تا ۱۵ سال، صحت مزاج، تصدیق مدرسه سابق، گواهی آبله‌کوبی و ورقه هویت، درخواست ورود به مدرسه با امضای پدر یا ولی شاگرد و قبولی در امتحان ورودی از شرایط داوطلبین برای ورود به مدارس ابتدایی نظام بود (روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۱۴: ش ۲۵۳۷، ۷؛ سال ۱۳۱۵: ش ۲۸۹۱، ۶ و سال ۱۳۱۶: ش ۳۲۳۵، ۶).

شرایط ورود به دبیرستان نظام کمی تفاوت داشت. داشتن تابعیت ایران، صحت مزاج، تناسب اندام ضروری بود؛ همچنین شرط سن برای سال اول دبیرستان باید بالاتر از ۱۲ و بیشتر از ۱۵ سال، برای سال دوم بیشتر از ۱۶ سال، برای سال سوم بیشتر از ۱۷ سال، برای سال چهارم بیشتر از ۱۹ سال، برای سال پنجم بیشتر از ۲۰ سال و برای سال ششم دبیرستان بیشتر از ۲۱ سال نبود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴: ش ۲۵۴۳، ۱).

آموزش نظامی در مدارس غیرنظامی

یکی از برنامه‌های مهم وزارت معارف و مصوبات شورای عالی معارف، آموزش نظامی در مدارس غیرنظامی بود. شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۳ ه.ش/۱۹۳۴ م. با توجه و عنایت به سیاست‌های دولت مبنی بر تدریس و آموزش نظامی در مدارس، به تهیه و تنظیم برنامه آموزش نظامی در مدارس و دانشگاه‌ها اقدام کرد. در نخستین گام در برنامه دستور تحصیلات کلاس ششم دبیرستان نظام که در جلسات دویست و هشتاد و شش و دویست و هشتاد و هفت به تاریخ سوم و دهم مهرماه ۱۳۱۳ ه.ش/۱۹۳۴ م. تصویب کرد، شش ساعت در هفته را به تعلیمات نظامی اختصاص داد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳: ۴۹۸-۵۰۴). در این مصوبه آمده است: «شاگردان دبیرستان نظام در طی دوره شش ساله تحصیلی خود موظف به اجرای مقررات داخلی دبیرستان بوده و به‌علاوه تعلیمات نظامی مشروحه ذیل را نیز بر طبق پروگرام جداگانه اخذ نموده و در پایان هر ثلث و انتهای سال معلومات نظامی آنها مورد آزمایش و امتحان قرار گرفته، نمره اطلاعات نظامی و نمره اخلاق آنها در امتحانات مؤثر خواهد بود. پروگرام ذیل مربوط به کلاس تهیه دبیرستان نظام (کلاس ۶) می‌باشد.

۱- از نظامنامه پیاده‌نظام: تعلیمات رسد- نظام جمع و صورت بندی‌های آن، فاصله گرفتن و جمع شدن رسد، تبدیل خط دشتبان به یک صف و بالعکس، حرکت و تغییر سمت خط رسد، ستون چهار به چهار و دو به دو، ستون جوقه، حرکات رسد با اسلحه، تعلیمات گروهان- تعلیمات لازمه - صورت بندی‌های نظام جمع، در ثلث سوم شاگردان کلاس ششم هر یک به نوبت فرماندهی رسد را عهده‌دار شده در طرز فرماندهی و آهنگ فرمان ورزش لازم می‌نمایند.

۲- از نظامنامه تیراندازی: شرح لازم از ساختمان تفنگ و فشنگ، بازکردن و بستن تفنگ تا حد مجاز، تمیز نمودن و نگاهداری تفنگ، شرح مگسک و درجه آن و آشنا شدن به درجات، نشانه‌روی» (همان، ۴۹۸-۵۰۴؛ ساکما، سند شماره ۳۲۲۹۹-۲۹۷). در سوم اسفند ۱۳۱۳ ه.ش/۱۹۳۵ م. و به امر رضاشاه تدریس و آموزش نظامی در دبیرستان‌ها و دانشکده‌های غیرنظامی آغاز شد (ساکما، سند شماره ۲۹۵۲۱-۲۹۷). به همین منظور بخشنامه‌هایی از سوی وزارت معارف به دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها صادر و

بر آموزش نظامی دانش آموزان و دانشجویان تأکید شد. عدم شرکت دانش آموزان و دانشجویان در تعلیمات نظامی موجب اخراج آنان از دبیرستان و دانشکده می‌شد و رئیس و ناظم دبیرستان و دانشکده مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت. آن دسته از دانش آموزان و دانشجویان که مریض بوده و نمی‌توانستند در آموزش نظامی شرکت کنند می‌بایستی از سوی هیئت پزشکی معاینه شده و در صورت تأیید، تنها از مشق نظامی معاف بودند (ساکما، سندهای شماره ۲۹۵۲۱-۲۹۷ و ۱۰۷۸۹-۲۹۷).

در دوره وزارت علی اصغر حکمت و در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۱۵ ه.ش. / ۱۵ دسامبر ۱۹۳۶ م. برنامه تعلیمات نظامی برای دوره دوم متوسطه پسران و دانشکده‌ها در جلسه سیصد و چهل و دوم شورای عالی معارف تصویب شد. هدف از این برنامه آشنا کردن شاگردان و دانشجویان دانشکده‌های پسران به وظایف اولیه سربازی و ایجاد زمینه تعلیمات افسری احتیاط اعلام شد. این تعلیمات به دو شیوه شفاهی و تعلیمات عملی در تمامی کلاس‌های دوره دوم متوسطه و مدارس عالی تدریس و اجرا می‌شد؛ و نمره تعلیمات نظامی در معدل کل امتحانات محصلین محاسبه می‌شد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵: ۸۳۸-۸۳۹).

جدول برنامه تعلیمات نظامی دوره دوم متوسطه و دانشکده‌ها

کلاس سوم	کلاس دوم	کلاس اول
الف: تعلیمات شفاهی ۱- تکرار دروس اخلاقی ۲- تکرار نظامنامه‌های سال قبل، ارتباط و مخابرات و تاریخ و جغرافیای ایران	الف: تعلیمات شفاهی ۱- تکرار دروس اخلاقی سال قبل ۲- نظامنامه پیاده و سواره نظام و توپخانه، نظامنامه انضباطی، نظامنامه تیراندازی، نظامنامه تعلیمات حرب، اسلحه شناسی، آرایش زمین، محافظت از گازهای سمی، نقشه برداری، قانون محاکمات نظامی، بهداشت و ...	الف: تعلیمات شفاهی ۱- دروس اخلاقی ۲- دروس نظامی
ب: تعلیمات عملی ۱- اجرای همه مراحل تعلیماتی نظامنامه‌ها ۲- بازدید از کارخانجات و مؤسسات نظامی و آموزشگاه‌ها	ب: تعلیمات عملی ۱- مواد سال اول و نظامنامه پیاده به صورت شفاهی ۲- مواد عملی سایر نظامنامه‌ها	ب: تعلیمات عملی ۱- تقویت کامل قوای جسمانی ۲- تعلیمات عملی انفرادی بدون اسلحه

شورای عالی معارف در ۱۸ اسفند ۱۳۱۵ ه.ش. / ۹ مارس ۱۹۳۷ م. در سیصد و چهل و ششمین جلسه، پیشنهاد ستاد ارتش مبنی بر اضافه کردن دو مرحله تیراندازی خفیف برای هر یک از محصلین را به برنامه تعلیمات نظامی مصوب ۲۴ آذر ۱۳۱۵ ه.ش. برای کلاس‌های سوم دوره دوم متوسطه، تصویب کرد (ساکما، سند شماره ۲۸۷۵-۲۹۷).

وزارت معارف با صدور بخشنامه‌هایی به دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها ضمن نظارت بر امر آموزش علمی و عملی نظامی، شروع آموزش را مانند آموزش غیرنظامی از اول مهرماه هر سال و زیر نظر مربیان تربیت بدنی و افسران معرفی شده از سوی ستاد ارتش اعلام کرد؛ و هرگونه تأخیر یا غیبت و موجه و غیر موجه بودن آن را به دبیرستان یا دانشکده محول نمود. در بخشنامه وزارت معارف به دبیرستان‌ها آمده است:

- ۱- کلیه دانش آموزان باید در اول وقت در درس علمی و عملی تعلیمات نظامی حاضر شوند و تا پنج دقیقه تأخیر حق ورود به کلاس و شرکت در عملیات نظامی دارند و پس از آن جزء غائبین محسوب خواهند شد.
- ۲- هر دانش آموزی که بیش از یک ساعت غیبت بدون عذر موجه داشته باشد از شرکت در امتحانات درس نظامی ممنوع خواهد شد و این ممنوعیت به منزله گرفتن نمره صفر در درس نظامی است. تشخیص عذر موجه با رئیس دبیرستان است.
- ۳- در تمام جلسات درس علمی و عملی نظامی باید کلیه دانش آموزان دفترچه اختصاصی همراه داشته باشند تا در موقع لزوم به افسران ارائه دهند. هر دانش آموزی که کتابچه اختصاصی خود را همراه نداشته باشد مسئول و در نمره انضباط آنها مؤثر خواهد بود. دفترچه‌های مزبور باید دارای عکس و خلاصه شناسنامه هر دانش آموز باشد.
- ۴- یک نفر ارشد برای هر کلاس باید تعیین شود تا در درس نظری و عملی صورت حضور و غیاب دانش آموزان را تعیین کند و در هنگام ورود افسر آموزش گزارش حضور و غیاب را که به امضاء ناظم دبیرستان رسیده است، به افسر مزبور برساند.
- ۵- تعلیمات عملی از تاریخ دوشنبه یازدهم مهرماه شروع می‌شود و باید کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه بعد از ظهر هر دوشنبه در زمین حاضر شوند و یک ساعت و نیم به یادگیری تعلیمات نظامی بپردازند.
- ۶- ناظم و دبیر ورزش باید در میدان‌های ورزشی حضور یافته و تا آخر جلسه مراقب نظم و ترتیب و حضور و غیاب دانش آموزان باشند.
- ۷- مدیران مدارس لازم است دفتر مخصوصی برای ثبت نظریات افسران آموزشی تهیه کنند و در کلاس درس و میدان‌های ورزشی در اختیار آنان بگذارند؛ تا علاوه بر ثبت حضور و غیاب دانش آموزان، نظرات خودشان را درباره حسن اخلاق و استعداد و لیاقت نظامی هر دانش آموز در آن دفتر ذکر کنند. اسامی غائبین در درس تعلیمات نظامی باید همه ماهه به اداره بازرسی فرستاده شود.
- ۸- در صورتی که دانش آموزی تا روز سوم اسفند سه جلسه در تعلیمات نظامی غیبت کند از امتحانات سالیانه محروم خواهد شد و باید یک سال دیگر در آن کلاس بماند؛ و در صورتی که پنج جلسه غیبت کند از دبیرستان اخراج خواهد شد (ساکما، سند شماره ۶۷۴۲-۲۹۷).

وزارت معارف در بخشنامه دیگری برای دانشجویان دانشکده‌ها یادآوری کرد:

- ۱- تعلیمات نظامی عملی روزهای دوشنبه و چهارشنبه هر هفته از ساعت یک و نیم بعدازظهر در زمین‌های ورزشی برگزار خواهد شد.
- ۲- با دانشجویان هر دانشکده باید دبیر ورزش و یا رئیس دفتر و یک نفر دیگر از اجزاء دفتری و یا معاون دانش سرا همراه و مراقب دانشجویان باشند. سرپرستان نامبرده باید کتباً به اداره بازرسی معرفی شوند.
- ۳- دبیران ورزشی و سرپرستان دانشجویان باید در ساعت یک و نیم آنان را صف‌آرایی کرده و حضور و غیاب نمایند؛ به قسمی که ساعت دو بعدازظهر صورت حضور و غیاب دانشجویان که به امضاء رئیس و یا معاون دانشکده رسیده است به افسر مربوط و بازرس ارائه شود. چنانچه عدم انتظامی مشاهده شود مسئول بوده و مواخذه خواهند شد.
- ۴- سرپرستان باید مراقبت نمایند که دانشجویان قبل از خاتمه عملیات از میدان خارج نشوند.
- ۵- هر دانشکده باید پرچم اختصاصی خود را همراه داشته باشد (همان).

بنا به درخواست وزارت معارف و تأکید و نظارت ستاد ارتش و برای آموزش عملیات نظامی دانش آموزان دبیرستان‌ها و دانشجویان دانشکده‌ها، کلیه سازمان‌ها و نهادها موظف شدند تمامی زمین‌های ورزشی خود را در اختیار وزارت معارف قرار دهند

(ساکما، سند شماره ۴۱۰۵۹-۲۹۷). همچنین امتحانات مربوط به دروس علمی و عملی نظامی همزمان با سایر دروس تحصیلی و با حضور نماینده ستاد ارتش برگزار می‌شد (همان، سند شماره ۳۳۰۷۷-۲۹۷).

نتیجه

با کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ ه.ش/۲۲ فوریه ۱۹۲۱ م. رضاخان سردار سپه تصدی فرماندهی کل قوا را در دست گرفت و با توجه به سبکه نظامی‌اش تا شهریور ۱۳۲۰ ه.ش/۱۹۴۱ م. به موازات تغییر و تحول در ساختار سیاسی ایران، به ایجاد ارتش ملی و آموزش‌های نظامی توجه فوق‌العاده‌ای نشان داد. رویکرد پهلوی اول بی‌تردید تقویت هویت ملی در قالب ایجاد ارتش ملی و از طریق آموزش فنون جدید به نیروهای نظامی؛ و همچنین تقویت نظم و انضباط در محیط مدارس نظامی و غیرنظامی برای آماده‌سازی جوانان و ترویج فرهنگ اطاعت‌پذیری ملی بوده‌است.

بخشی از تلاش‌های سیاسی سردار سپه در بعد داخلی معطوف به سرکوبی و پایان دادن به جنبش‌ها و قیام‌های متعدد در گوشه و کنار کشور؛ و در بعد خارجی مقابله با نفوذ و گسترش کشورهای خارجی و استقلال و امنیت ملی بود. بخش دیگر اقدامات او معطوف به مشکلاتی شد که در ساختار نظامی ایران از دوره قاجار وجود داشت. با توجه به تحولات قرن بیستم در جهان و کشورهای همسایه مانند روسیه و ترکیه، به نظر می‌رسد توجه به ارتش و آموزش نظامی در دوره پهلوی اول هم در تشکیلات و ایجاد آموزشگاه‌های نظامی و هم در مدارس غیرنظامی اجتناب‌ناپذیر بود. وضعیت سیاسی و نظامی ایران در سال‌های پایانی حکومت قاجار و در دو دهه بعد از آن ایجاب می‌کرد که نیروی نظامی ملی نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشد.

در دوره قاجار ایران دارای ارتش متحدالشکلی نبود و واحدهای منظم آموزش دیده‌ای چون قزاق، ژاندارمری و نیروی پلیس جنوب تحت نظر افسران و مستشاران خارجی قرار داشتند. از جدی‌ترین مشکلات و ضعف‌های ارتش ترکیب و کیفیت افسران آن، ویژگی‌های سنتی، تمرینات و آموزش‌ها و منزلت کم ارزش آن بود. هیچ‌گونه مقررات قابل اجرایی برای شرایط احراز ترفیع افسران وجود نداشت؛ افراد به دلیل وابستگی به دربار صاحب منصب و مقامات نظامی بودند و افسران جوان به ندرت صاحب منصب می‌شدند؛ و به دلیل مخالفت مقامات نظامی فقط تعداد اندکی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون توانستند شغلی برای خود در ارتش فراهم کنند.

علاوه بر این، سطح نازل تحصیلات و عدم صلاحیت و ناشایستگی افسران، وابستگی به سواره‌نظام غیر منظم که ریشه در زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای داشتند، مشکلات مالی ناشی از بدهی‌های خارجی بابت جبران امتیازات لغو شده، از دست رفتن عواید اقتصادی مانند ابریشم و پرداخت هزینه‌های سفرهای شاه به اروپا همگی موجبات اخلال در امر آموزش نظامی در دوره قاجار بوده است.

رضاخان سردار سپه در طی سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ه.ش. سیاست ایجاد ارتش واحد با ادغام نیروهای موجود، اعزام محصل به خارج از کشور جهت فراگیری فنون نظامی، استخدام مستشاران نظامی، ایجاد آموزشگاه‌ها و مدارس و دانشکده‌های نظامی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داد. در نخستین گام دست به اصلاح و تجدید نظر در آموزش نظامی و ایجاد سه نوع مدرسه با هدف آموزش و تربیت افسران ایرانی زد. مدرسه ابتدایی نظام برای پسران ۷ سال به بالا، مدرسه متوسطه نظام و مدرسه صاحب‌منصبان (دانشکده افسری) در سال ۱۳۰۲ ه.ش. بر اساس تشکیلات نوین اروپایی سازمان یافت. دومین تلاش رضاخان اعزام یک گروه ۴۶ نفره از افسران فارغ‌التحصیل برای طی دوره یک ساله آموزش نظامی به فرانسه با هزینه مالی بسیار زیاد بود.

در یک مقایسه کوتاه با دوره قبل از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش. باید گفت ۱- بودجه نظامی کشور به مقدار زیادی افزایش یافت. ۲- به تقویت نیروهای نظامی ایران در سه رده زمینی، هوایی و دریایی توجه جدی شد. ۳- برنامه‌های درسی آموزش نظامی در دوره مورد بررسی تماماً زیر نظر وزارت معارف قرار گرفت و این وزارتخانه با دقت بر نحوه ورود محصلان و دانشجویان به مدارس و آموزشگاه‌های نظامی نظارت داشت. شورای عالی معارف نیز آیین‌نامه‌ها و مقررات خاصی را تدوین و تصویب کرد. ۴- کتاب‌های آموزش نظامی برای کلاس‌های مقاطع مختلف تحصیلی از سوی وزارت معارف تهیه و تدوین شد. ۵- در سال‌های ۱۳۱۳ ه.ش./۱۹۳۴ م. تا ۱۳۱۵ ه.ش./۱۹۳۶ م. علاوه بر مدارس نظامی، در مدارس غیرنظامی نیز دروس آموزش نظامی در نظر گرفته شد. آموزش نظامی دانش‌آموزان و دانشجویان به صورت نظری و عملی با هدف آماده‌سازی و آشنایی آنان به وظایف اولیه سربازی و خدمت نظام وظیفه در برنامه‌های وزارت معارف تصویب و اجرا شد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸). *امیرکبیر و ایران*، تهران: موسسه انتشارات خوارزمی.
- احمدآبادی، محمد و موسوی، سیدرحیم (۱۳۹۵). «سیر تدریجی آموزش پلیس و نتایج آن در دوره پهلوی اول»، *فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی*، سال سوم، شماره ۱۰.
- اشراقی، احسان (۱۳۵۵). «کنت دوسرسی یک سفارت فوق‌العاده ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، سال یازدهم، شماره ۳.
- افسر، پرویز (۱۳۳۲). *تاریخ ژاندارمری ایران*، قم: چاپخانه قم.
- افضل، منوچهر (۱۳۴۸). *راهنمای آموزش عالی در ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی وابسته.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- بزرگمهر، جلیل (۱۳۷۷). *زندگینامه من*، تهران: نشر علم.
- بیات، کاوه (۱۳۶۹). «*قرارداد ۱۹۱۹ و تشکیل قشون متحدالشکل در ایران*»، *مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران*، کتاب دوم، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- بیگلری، حیدرقلی (۱۳۵۰). *خاطرات یک سرباز*، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- جلالی، هوشنگ (۱۳۸۹). *تاریخ نظامی ایران*، تهران: ایران سبز.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۷). «*شکل‌گیری ارتش ایران در دوره پهلوی اول*»، *پژوهشنامه تمدن ایرانی دانشگاه کرمان*، سال اول، شماره ۱.
- دیگار، ژان پیر؛ هورکاد، برنار و ریشار، یان (۱۳۷۷). *ایران قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.
- رسائی، فرج‌الله (۱۳۵۰). *۲۵۰۰ سال بر روی دریاها*، تهران: پیک دریا.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۳). *امیراحمدی؛ خاطرات اولین سپهبد ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- زندیه، حسن و یوسفی، جواد (۱۳۹۳). «*ساختار آموزش انتظامی و نظامی در حکومت رضاشاه*»، *فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی*، سال اول، شماره ۲.
- ساتن، ل. پی. ال. ال (۱۳۴۶). *رضاشاه کبیر یا ایران نو*، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران: چاپخانه تابش.
- طلوعی، مرتضی (۱۳۵۵). *تاریخ نیروی هوایی شاهنشاهی*، تهران: ستاد فرماندهی نیروی هوایی.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۵). *تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی)*، تهران: انتشارات آشیان.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۲۶). سیر تحولات نظام در ایران تا سال ۱۳۰۱، تهران: چاپخانه علمی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۶). «تاریخچه سربازگیری در ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی، تهران، سال ۲، شماره ۲.
- قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶). تاریخ ۲۵ ساله شاهنشاهی ایران، تهران: آریان.
- کاظمی، محمد و دیگران (۱۳۵۵). تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، تهران: بی‌نا.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی‌بابایی، تهران: خجسته.
- گروه نویسندگان (۱۳۷۲). پیشگامان پرواز در ایران، تهران: انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱). شرح زندگانی من، جلد اول، تهران: انتشارات زوار.
- مکی، حسین (۱۳۵۷). زندگی سیاسی سلطان احمد شاه، تهران: امیرکبیر.
- ملک‌زاده، الهام و دادبخش، مسعود (۱۳۹۲). «مدارس نظامی نوین ایران (از دوره صفویه تا تأسیس دارالفنون)»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۱۹.
- نخجوان، محمد (۱۳۵۴). تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران، تهران: بی‌نا.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۵). تاریخ معاصر ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بیست و چهار شهریور، تهران: فروغی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۹). تاریخ ایران و جهان (از قاجاریه تا پایان عهد ناصری)، جلد ۲، تهران: نشر هما.
- نیازی، محمد و شالچی، وحید (۱۳۹۲). «شکل‌گیری نظام وظیفه در پیوند با پروژه ملت‌سازی حکومتی دوره پهلوی اول»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، سال پنجم، شماره ۲.
- یکرنگیان، میرحسین (۱۳۸۳). سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)، تهران: خجسته.

روزنامه‌ها و اسناد:

- اطلاعات، ۱۳۰۵، شماره ۴ آبان، ۱
- اطلاعات، ۱۳۰۶، شماره ۷۲۹، ۴
- اطلاعات، ۱۳۰۹، شماره ۱۱۴۹، ۴
- اطلاعات، ۱۳۱۱، شماره ۱۶۳۶، ۱
- اطلاعات، ۱۳۱۴: شماره ۲۴۶۷، ۱
- اطلاعات، ۱۳۱۴، شماره ۲۴۷۶، ۱
- اطلاعات، ۱۳۱۴، شماره ۲۵۴۳، ۱
- اطلاعات، ۱۳۱۴، شماره ۲۵۳۷، ۷
- اطلاعات، ۱۳۱۵، شماره ۲۸۹۱، ۶
- اطلاعات، ۱۳۱۶، شماره ۳۲۳۵، ۶
- تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳، سال چهارم، شماره ۷ و ۸، ۴۹۸-۵۰۴
- تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، سال ششم، شماره ۱۱، ۸۳۸-۸۳۹
- تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، سال ششم، شماره ۱۰، ۷۵۷-۷۶۲
- ساکما، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج. ا. ایران، سندهای شماره (۲۸۷۵-۲۹۷)، (۳۳۰۷۷-۲۹۷)، (۳۸۸۷۵-۲۹۷)، (۲۹۷-۶۷۴۲)، (۲۹۷-۴۱۰۵۹)، (۲۹۷-۲۹۵۲۱) و (۲۹۷-۱۰۷۸۹).